



۲ یکشنبه ۳ مرداد ماه ۱۳۹۵

سیاسی

نابناک

حجت الاسلام سید مهدی طباطبایی، روحانی اصولگرا و استاد اخلاق در مصاحبه با ایسکانیوز گفت: الان بحث روز، کلمهٔ «انقلابی عمل کردن» است. انقلابی همان است که خودمان هم قیل از پیروزی انقلاب به هم می‌گفتیم و کارهایی می‌کردیم که جنبهٔ تحرک مردم بر علیه حکومت داشت.

طباطبایی با بیان اینکه اخیرا چون کلمه انقلاب مطرح شده‌است، خیلی‌ها از انقلاب تحریب‌فهمیده‌اند و فکر می‌کنند دولت را تحریب می‌کنند گفت: اما نمی‌دانند که تنها دولت مطرح نیست بلکه با این کار به حکومت ضربه می‌زنند.این که حکومت ضربه بخورد من خیلی دلم می‌سوزد.

فیش‌های حقوقی نوعی فریب برای تحریک مردم بود
وی با اشاره به اینکه یک شعاری که ما اول داشتیم و برای تحریب و تقابل حکومت شاه به کار می رفت، روشنگری موضوعات برای فقرا علیه اغنیاء بود و استفاده ما از کلمه هایی همچون بارهنه‌ها، زاغه نشینان، مستمندان و مستضعفین بود اظهار کرد: اما امروز هم همین کلمات را عده ای به عنوان انقلاب به کار می برند که این جای فکر و اندیشه دارد. ما آن روز می خواستیم قدرت را از بین ببریم و اساسا تحریک کنیم ، امروز با این‌ کار‌ها مگر می‌خواهیم حکومت را از بین ببریم؟ طباطبایی افزود: هیچ می‌دانید که نتیجه تحریک فقرا چه خواهد شد؟ وقتی شما می‌گویید فیش حقوقی فلان مبلغ و فلان مبلغ، کسی که نداردبا خودش می‌گوید پس من چه دارم؟ این تحریک است.

این معلم اخلاق تاکید کرد: باورکنیم که این موضوع فیش های حقوقی یک نوع فریب بود که هم مردم به مسئولین بدین بشوند که حقوق اضافی گرفته‌اند. هم از آن‌هایی که باید پول بگیرند، منحرف و منصرف بشوند. وی با اشاره به اینکه این کلمه انقلابی امروز به معنای تحریب نیست اضافه کرد: بلکه یعنی بهتر عمل کردن و این تفهیم نشود سخت است و الان در بعضی از موارد مثل پرداختن به این فیش های حقوقی مشکل وجود آمده است. البته فکر نکنید من می‌خواهم مدافع کنم، نه کار بدی کرده‌اند کسانی که این حقوق‌های حقوقی را گرفته‌اند.محکوم است اما این محکومیت نباید ما را از اصل منحرف کند.

طباطبایی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به اینکه روحانی خودش جزء اصولگراهاست و ایشان را به اصلاح طلبان نسبت می‌دهند اظهار کرد: اما اصولگراها چه کسانی هستند؟ اگر بخواهیم فقط دو نفر را که در جریان اصولگرایی مشهور هستند را اصولگرا بدانیم که هیچ یک از آن‌ها در انتخابات دوره قبل رای نیاوردند. پس فقط آن‌ها نیستند. دیگران هم هستند.اما اصولگرا کسانی هستند که معنی انقلاب را بفهمند و خوب درک کنند. به این فرد مردم رای می‌دهند. حالا می‌خواهد اسم آن هر چه باشد، اصولگرا یا اصلاح طلب. فرقی نمی‌کند.



ر حمانی‌فضلی: انتخابات را رسما از آذرماه آغاز می‌کنیم

وزیر کشور با بیان اینکه فضای کشور از نیمه دوم امسال عملا انتخاباتی خواهد شد، از آغاز رسمی انتخابات از آذرماه امسال خبر داد. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور پیش از ظهر امروز در همایش مشاوران امور روحانیون استانداری های سراسر کشور با ترسیم شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور به موضوع برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ، شورا‌های اسلامی شهر و روستا و میاندوره ای مجلس شورای اسلامی در چهار حوزه انتخابیه پرداخت و گفت : از آذرماه امسال رسماً انتخابات را شروع خواهیم کرد و با آغاز فعالیت دانشگاه‌ها در مهرماه امسال فضای کشور از نیمه دوم امسال عملا انتخاباتی خواهد شد. رحمانی فضلی انتخابات را مانور قدرت ملی و نمایش مردم سالاری دینی از طریق انتقال قدرت خواند و گفت : همه باید بر این موضوع متمرکز شویم که انتخابات قانونی ، سالم و امن برگزار شود. وزیر کشور با بیان اینکه وضعیت اقتصادی کشور از ثبات لازم برخوردار است افزود: درحوزه اقتصادی تأکید مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور روی اجرای اقتصاد مقاومتی است و برای پیشبرد آن لازم است همه پای کار بیایند بویژه آنکه در موضوعاتی مثل نرخ ارز و کالاهای مصرفی مردم نوسانی در کشور مشاهده نمی‌شود و تورم کنترل شده است.

حقوق‌های نامتعارف؟ این‌ها حرام خواری است!

احمد توکلی : حکومت اگر می‌خواهد سالم باشد، باید مردم را مهمیز نزند و مردم آزاد باشند حرفشان را بزنند

احمد توکلی، یکی از مردان سیاست‌ایران است که تمرکز او در همه این سال‌ها عمدتاً نه روی بازی‌های سیاسی ، که روی اقتصاد بوده‌است. توکلی در دولت محمدعلی رجایی ، سخنگوی دولت بودو در کابینه اول میرحسین موسوی وزارت کار و امور اجتماعی را بر عهده داشت. او اما به دلیل اختلافش با سیاست‌های چپ‌گرایانه اقتصاد دولتی موسوی ، از این سمت کناره‌گرفت تا نشانی باشد بر مخالفت شدیدش با اقتصاد دولتی. با این حال میانه این اقتصاددان با سیاست‌های اقتصادی راست‌گرایانه دولت هاشمی نیز چندان بهتر نبود و در این سال‌هایی از منتقدان بزرگ سیاست‌های تعدیل اقتصادی و مدل نئوکلاسیک بوده‌است. توکلی حالا پس از چهار دوره نمایندگی مجلس ، همچنان به اقتصاد دولتی و مدل نئوکلاسیک پیاده شده‌در ایران نقد دارد و مشکلات امروز اقتصاد ایران و نیز فساد موجود در آن را ناشی از این دو می‌داند. او همچنین فساد اقتصادی را در ایران سیستماتیک می‌داند؛ به این معنا که خود دستگاه‌های مقابله با فساد آلوده شده‌اند. «تابناک» با احمد توکلی در مورد اقتصاد ایران ، مشکلاتش و نیز فسادی که دامنگیر آن شده، گفت و گو کرده‌است که مشروح بخش دوم این گفت و گورا می‌خوانید.

به جیب گشاد تعداد معدودی سهامدار بنگاه‌های پتروشیمی واریزی می‌شد. همین‌طور است کوششی که برای تبیین‌الگوی قرارداد‌های نفتی صورت گرفت که انشاءالله با حمایت مردم و رسانه‌ها بتوانیم آن را به سرانجام برسانیم؛ وگرنه باید منتظر ده‌ها کرسنت دیگر باشیم. غیر از آثار تخریبی متعدد دیگر. کل فعالیت‌ها هم غیرانتفاعی است و اعضا باید حق عضویت بدهند. اینجا خانه همه‌است. خانه هرکسی که می‌خواهد پناه دیگران شود و از خود مایه بگذارد. به شما و همه کاربران محترم تابناک که اهل این کارها هستند پیشنهاد می‌کنم عضو نشوید.

مردم باید آزاد باشند حرفشان را بزنند

آقای توکلی شما در نامه اخیر خود به دادستان تهران ، آزادی رسانه‌ها را شرط مبارزه با فساد اقتصادی خوانده‌اید. همچنین بارها از اهمیت و کارایی ان، جی. او‌ها یا سمن‌ها برای مبارزه با فساد نام برده‌اید. فکر نمی‌کنید باید اولویت را به توسعه سیاسی داد؟
من به این جور تفکیک‌های پرزنگ قائل نیستم. چون واقعیت زندگی مزجی است و نمی‌توان مرز روشنی بین وجوه متفاوت حیات فردی و اجتماعی کشید. جنبه‌های مختلف زندگی با هم درآمیخته‌اند، مزج شده‌هستند. تقدم و تأخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی بیشتر رتبی است تا عینی. یعنی شما می‌گویید اهمیت این یکی بیشتر است، شما در زندگی واقعی به آزادی احتیاج دارید. برای اینکه حرف بزنید. یعنی وقتی حرف اقتصادی می‌زنید، حرف سیاسی می‌زنید و کار سیاسی می‌کنید، به آزادی احتیاج دارید. لذا بنده‌اگر قائل به تقدم باشم، به تقدم رتبی قائل هستم. من آزادی را برای تعالی یک ملت خیلی مهم می‌دانم. ولی یک ملت همان‌طور که به آزادی احتیاج دارد به نان هم احتیاج دارد. نمی‌شود به مردم گفت شما آزادی بخورید یا گفت شما نانتان را بخورید و حرف زیادی نزنید. بنابراین حکومت اگر می‌خواهد سالم باشد، باید مردم را مهمیز نزند و مردم آزاد باشند حرفشان را بزنند. البته شاید وقتی حرف بزنند حرف حساب نزنند، ولی حرف ناخساب هزینه آزادی داشتن است. هدایت افرادی که حرف ناخساب می‌زنند، خرج آزادی است. لذا من این بحث‌های توسعه‌سیاسی و اقتصادی را زائد می‌دانم. حداکثر می‌گویم آزادی تقدم رتبی دارد و از نظر اهمیت خیلی مهم‌تر است، ولی از نظر واقعی نان مهم‌تر است. اگر نان نباشد، آزادی نیست، دین هم نیست.

جلو یک رات ۱۰۰۰ میلیاردی را گرفتیم

گفته‌اید قرار است در سمن «دیدبان شفافیت و عدالت» با فسادمبارزه کنید. آیا فعالیتتان را شروع کرده‌اید؟ چه کارهایی انجام داده‌اید؟

حدود دو سال پیش یک عده از دوستان جوان‌تر آمدند نزد من و گفتند تو با این سابقه‌ای که در این کار داری و به این صفت شناخته شده هستی و مورد اعتماد رهبری و مردم هستی، چرا این‌طور سازمان‌یافته‌کاری می‌کنی؟ این طوری بست هم که بالا می‌رود، از دست می‌روی و کاری هم از تو باقی نمی‌ماند. پیشنهاد کردند با کمک دوستان پاکی که داری یک سازمان مردم‌نهاد تأسیس کن. ما هم کمک می‌کنیم. من گفتم اگر شما مثل حلف الفضول یا پیمان جوانمردان در زمان پیغمبر عمل می‌کنید، من هستم. همان‌طور که آن‌زمان پیغمبر حاضر بود با منسرك بسازد تا جلوی زورگویی به مردم را بگیرد، اینجا هم نباید حساب اصلاح طلب و اصولگرا و مسیحی و یهودی و زرتشتی جدا باشد. هرکس پاک باشد و حاضر باشد برای مبارزه با ناپاکی هزینه پرداخت کند، با مااست.

این‌طور بود که رفتم سراغ هر دو جناح، از مرتضی‌نبوی تا دکتر حسین نمازی، از فرشاد مومنی تا نادران. با بیش از ۴۰ نفر در این مورد دیدار کردم و فقط یک نفر در این میان مایوس بود و می‌گفت این‌کار نتیجه نمی‌دهد. دوستان اصلاح طلب گفتند ما مؤسس نمی‌شویم ولی از تو حمایت می‌کنیم. موسسین ۱۰ نفر شدند، بنده و آقایان نادران، نجابت، دهقان، بحرینی، کوثری، امیرآبادی، سرزوری، نبوی و فرشیدی. یک سال و نیم طول کشید تا از وزارت کشور جواز سمن را گرفتیم و بعد هم آن‌را به عنوان مؤسسه غیرسیاسی و غیرانتفاعی نزد ثبت شرکت‌ها به ثبت رساندیم. با این قرار که ما در اینجا هیچ کار سیاسی نمی‌کنیم و به هیچ چیز نگاه سیاسی به معنای حزبی و جناحی نداریم. طبق اساسنامه هم ۴ وظیفه برای خود مشخص کردیم. شناسایی ساختارهای فسادزا و ارائه جایگزین‌هایی بران آن‌ها به دولت و قوای دیگر، شناسایی مقررات فسادزا و پیشنهاد جایگزین‌هایی برای آن‌ها. شناسایی مقصدان بزرگ و کمک به تعقیب و مجازات آن‌ها و در نهایت آموزش حقوق شهروندی.

کارهایی هم تاکنون انجام داده‌ایم و در برخی موارد ما وارد شدیم و پیشنهاد کردیم و دولت به حرف کارشناسی ما گوش داد و کار متوقف شد. مانند کوشش برای جلوگیری از خارج کردن محصولات پتروشیمی از بورس کالا و فروش در بازار به اصطلاح آزاد. برغم فشار وزیر صنعت و معدن و تجارت، کارگروه تنظیم بازار استدلال‌های دیدهبان شفافیت و عدالت را پذیرفت و اجازه این کار را نداد. اگر کوشش دیدهبان نبود و محصولات پتروشیمی از بورس کالا خارج می‌شد و معاملات در بازار غیرشفاف انجام می‌گرفت، رانت ایجاد می‌شد. برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس از مقدار رانت این ۱۰۰۰ میلیارد تومان بود؛ یعنی ۱۰۰۰ میلیارد تومان باید از جیب کوچک‌میلیون‌ها مصرف‌کننده

مبارزه با فساد زمانی شدنی است که

سیاسی شود

آسیبی که الان وجود دارد، برخورد‌های کاملاً سیاسی در موضوع‌های اقتصادی است.

اصولگرا‌ها سه دنبال‌زدن اصلاح طلب‌ها هستند و به عکس. این موضوع چه آسیب‌هایی می‌زند و راهکار شما برای آن چیست؟

آسیب‌که معلوم است می‌زند. مبارزه با فساد زمانی موفقیت‌آمیز است‌که سیاسی نشود. چون اگر سیاسی‌شود افراد می‌روند پشت این دو گروه سیاسی پنهان می‌شوند. فاسدها به پول گرایش دارند ولی خودشان را پشت گرایش‌های فکری پنهان می‌کنند. لذا آن‌هایی که می‌خواهند با فساد مبارزه کنند باید خودشان را میرا نگه‌دارند. این راه حل مسئله است و شدنی هم‌هست. من اولین جلسه‌ای که برای دیده‌بان برگزار کردم، در بین مدعوین از پرفسور رفیع‌پور بود تا آقای واعظ مهدوی که یک اصلاح طلب عدالت‌خواه است تا فرشاد مومنی و عباس شاکری و آقای ریاحی و خیلی از دوستان اصلاح طلب‌من. این آدم‌ها از هر دو جناح می‌توانند دور هم جمع شوند و کمک کنند تا کم‌کم بیخ‌ها آب شود و بفهمند شاخ و دم نداشته‌اند! در مجلس هم نماینده اصلاح طلبی بود که من با خاطرجمعی

پشت سرش نماز می‌خواندم و قبولش داشتم.

در مورد توافق دولت با کارگروه اقدام مالی، شما یکی از منتقدان هستید. این در حالیست که خودتان در مجلس نهم قانون مبارزه با پولشویی را تصویب کردید که در آن عنوان می‌شود که اطلاعات افراد مشکوک به مراجع ذی ربط داده

می‌شود. گفته‌اید از این مسئله که این

مراجع چه کسانی هستند، غافل بودید

اید. چرا؟ چطور شد که غافل بودید؟

من یک چیز دیگری هم گفتم و آن اینکه ما آن تعهدی که این‌ها سپرده‌اند و آن نقشه اقدام (Action Plan) را نمی‌دانیم. باید بدانیم تا بتوانیم قضاوت کنیم. دیروز یک جلسه‌ای در مرکز پژوهش‌ها بود و دیدهبان هم دعوت بود و من رفتم. چند تا از مسئولان ذیربط بودند و توضیح دادند که توضیحات خوبی بود. گفتند این تعهدات در این مرحله چیز بدی نیست، آن‌ها توصیه کرده‌اند و توصیه‌شان عقلانی است، ما انجام می‌دهیم و ضرر هم نمی‌کنیم. من گفتم در این مرحله ممکن است همین‌طور باشد ولی نگران مراحل بعد باشید. من از آن‌ها ایراد گرفتم که مشکل شما این است که لاپوشانی می‌کنید و نمی‌آیید همین حرف‌ها را به مردم بزنید. گفتند این‌ها مسائل فنی است و مردم متوجه نمی‌شوند. گفتم الان مثل قدیم نیست و سطح تحصیلات بالا رفته مضافاً اینکه مسائل آن قدرها پیچیده نیست. خلاصه حرفشان این بود که مجاز نیستند! من هم گفتم برعکس طبق قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات شما مجاز به کتمان نیستید. لذا من منتظرم این متن به دست من برسد و تا نبینم نمی‌توانم قاطعانه حرف بزنم. چنان‌که در قصه برج‌م قسمت‌های اول خیلی امیدوارکننده

بود و حتی من مصاحبه جانب‌دارانه کردم ولی هرچه جلوتر رفتم اشکالات یکی یکی آشکار شد.

فیش‌های حقوقی زیباترین جلوه شبکه‌های اجتماعی بود برخورد دولت را با موضوع حقوق‌های نامتعارف چطور می‌بینید؟

نامتعارف یعنی چه؟ این‌ها حرام خواری است. این ادبیات زشتی و پلشتی این آزمندی بی‌شرمانه را می‌پوشاند. اما به‌طور کلی من از اول توصیه کرده‌ام این روزها به دنبال مقصر نگردیم. اول باید جلوی آن را بگیریم. مثل وقتی که در

ماهشهر آتش سوزی شد، کسی فکر نکرد چه کسی دستگاه آتش‌نشانی را بیرون برده‌است. اول آتش را خاموش کردند و بعد به دنبال عوامل و مقصران گشتند. الان یک سیلی آمده‌است که سیل‌بایرکتی است. می‌شود کاری کرد به جای اینکه سیل خانه را خراب کند، به طرف سد برود تا بعداً بشود از آن استفاده کرد. این سیل را انگیزه، هوشیاری مردم و به ویژه شبکه‌های جدید اجتماعی خلق کردند. اگر این فناوری نبود، این اتفاق نمی‌افتاد. الان باید دولت قدر شبکه‌های اجتماعی را بداند و ببیند که با آن، چه کارهایی‌شود انجام داد. البته با آن می‌شود کارهای ضد ملی هم انجام داد. ولی ما باید اول آن را بپذیریم و بعد با آن راه بیابیم و کمکش کنیم تا کارهایی‌ملی‌کند. این موضوع فیش‌های حقوقی یکی از زیباترین جلوه‌های نقش شبکه‌های اجتماعی بود. در واقع اگر این شبکه‌ها هیچ کار دیگری برای ایران نکرده باشند، اگر همین یک کار را قدر بدانیم نگاه رسانه‌ای‌مان تغییر می‌کند. زمانه عوض شده‌است، شما با بستن نمی‌توانید کاری از پیش ببرید. اگر ببندید می‌رواز جای دیگر سردر می‌آورد. امکانش را هم دارد و خیلی هم قوی‌تر عمل می‌کند و شما را می‌زند. شما آن را بپذیرید و بشناسید و بنبندید تا مردم احساس خفگی نکنند و سراغ روش‌های نامناسب نزنند. لذا از این اتفاق میمون و مبارک باید استفاده کرد. این اتفاق باعث شد تا ارزش افکار عمومی معلوم شود. دولت هم اولش گفت ما تقصیر نداشتیم بقیه تقصیر داشتند. اما دولت در استقبال از این ماجرا نسبتاً خوب عمل کرد. وقتی می‌گویم دولت منظوم حکومت است. ولی سرعش کافی نبود. مثلاً اولین بار من اوایل اردیبهشت بود که درمورد حقوق ماهانه ۳۵ میلیونی یک مدیر دولتی در رسانه گفتم و البته اسمش را نیاوردم. فردای آن روز رئیس دفتر آقای جهانگیری به من زنگ زد که این فرد چه کسی است. من گفتم فلانی است. آقای جهانگیری همان زمان می‌توانست با یک تلفن خبر را ارزیابی کند و پس از اطمینان‌فورا اقدامی مؤثر انجام دهد، ولو موقت، و آن را رسانه‌ای کند. در این صورت وقتی فیش حقوقی بیمه ۱۰۰ روز بعد منتشر می‌شد، توپ زیر پای دولت بود. اما این تأخیر این ضرر را به دولت زد و درواقع به کل سیستم و نظام زد. حالا هم باید دولت در برخورد و مجازات‌ها خوب عمل کند. مثلاً باید این مدیران عزل شوند نه اینکه دولت استعفایشان را بپذیرد. استعفا یعنی او نمی‌خواهد با ما کار کند، در صورتی که این‌ها هستیم که می‌گوییم او لایق کار با ما نیست. استدلال حقوقی محکم وجود دارد که دریافت کنندگان این حقوق‌ها، خیانت کرده‌اند و با خان‌هم باید مثل خان‌ها برخورد کرد.

بعد ما باید سراغ علت‌های اصلی‌تری برویم که باعث این موارد شده‌اند. مهم ترینش انتصابات نامناسب است. یعنی وقتی کار دست آدم‌هایی باشد که حریص و بی‌لیاقت باشند و به جای رقابت به واسطه رفاقت با آدم‌لا باشند، اگر نتیجه غیر از این بشود تعجب آور است. لذا اقدم بعدی باید برخورد با انتصابات غیرشفاف و غیرمناسب باشد. مثلاً در یک دستگاهی یک فردی که لیسانس الهیات دارد، مسئول یک کار صنعتی خیلی مهم شده‌است. ما می‌معلوم است که کار را خراب می‌کند، گر چه آدم خوبی باشد و اگر آدم بدی باشد کار را خرابتر می‌کند.

شما پیش‌تر از یقه سفیدها و اقدامات اقتصادی که از سوی برخی نهادهای قدرت انجام می‌شود، به تفصیل صحبت کرده بودید. به نظر شما بعد از برخورد با این حقوق‌های نامتعارف، آیا نوبت این نیست که سراغ همان امتیازات ویژه‌ای که شما از آن صحبت کرده بودید برویم؟

به جای نامتعارف بفرمایید نامشروع! بله علت این مسأله یکی‌اش انتصابات است و یکی دیگر رانت‌هایی است که به دستگاه‌های خاص داده می‌شود. هرچند انتصاب‌ها از نظر من مهم‌تر است. مثلاً سپاه طبق قانون اساسی مورد رجوع برای سازندگی است. تا اینجا قابل دفاع است البته روشش می‌تواند بهتر از این باشد. یک مثالی از ژنرال پینوشه بزنم که یک کار عقلانی کرد. زمانی که می‌خواست در شیلی از شمال تا جنوب بزرگراه بسازد، بزرگراه را قطعه بندی کرد و هر قطعه را تحویل یک لشگر از ارتش شیلی داد. به جای

آن که برای ساخت هر قطعه با لشگر ذیربط قرارداد پیمانکاری ببندد کارشان را مأموریت جنگی به حساب آورد و حق مأموریت جنگی داد. لشگری یک قطعه را گرفت و در واقع به هر کدام یک مأموریت جنگی داد و

حسب کیفیت و زمان مناسب‌تر جایزه و مدال هم می‌داد. به این ترتیب همه می‌خواستند زودتر و بهتر کار را تحویل دهند. لذا فرمانده انگیزه داشت که آدم‌های خوبی را به ارتش جذب کند تا کار زودتر جمع شود.

ولی ما پروژه بیمان می‌دهیم و این خوب نیست. اگر سپاه یا ارتش کاسی کنند یا به اسم آن‌ها کاسی شود، در هر رشته‌ای می‌توانند کاسی کنند. آن وقت چون نیروی مسلح است راحت‌تر جواز می‌گیرد، راحت‌تر ارز می‌گیرد، به این دلیل که از او حساب می‌برند. این‌ها مضر است. ولی اینکه می‌گویند هر جای اقتصاد ایران را نگاه می‌کنی سپاه است، این درست نیست. منصفانه نیست.